



ناترازی برق و جان تولید؛

«دم»ی که «بازدم» آن تضمین شده نیست

تولیدکننده با توجه به کاهش قدرت خرید مردم، بازار مناسبی ندارد با رخداد ناترازی برق و تعطیلی فروشگاه‌ها، وضعیت بغرنج‌تر شده و سرمایه در گردش آنها بیشتر آب می‌رود. هزینه‌های جاری و سالانه تولید، نگهداری ماشین‌آلات و... کم‌کم صنعتگران را از چرخه حذف می‌کند. انتظار داشتیم در چنین وضعیت بحرانی همراهی می‌شد و دولت مالیات‌ها صنعتگران را تا مدتی معاف می‌کرد، اما در حالی که کارخانجات و کارگاه‌ها تعطیل هستند نهادهای بیمه و مالیات فعالیت داشته و از یک هفته قبل پیامک گوشزد برای پرداخت بیمه ارسال می‌کنند.



کرده است. ارتباط تامین‌کنندگان مواد اولیه با کارخانجات تولیدی کفش سبب شده همچون یک زنجیره، مشکلات و چالش‌های هر بخش بهم منتقل شود. وقتی تولیدات کارخانجات پایین‌دستی دچار مشکل شود و درآمد لازم را نداشته باشند، پول به حلقه اول یعنی فعالان بالادستی نمی‌رسد؛ بنابراین کل زنجیره دچار خسارت و آسیب می‌شود. ترخیص نشدن مواد اولیه با وجود نوسانات ارزی و پرداخت مابه‌التفاوت آن به دولت، هزینه‌ها را بدون هیچ سودی افزایش می‌دهد. تولید کفش به روایتی با ۴۰ قلم و به روایت دیگر ۷۰ قلم جنس اعم از چسب، نخ، زیره، رویه، چرم و... تولید می‌شود؛ حتی تامین نشدن یا کمیابی یکی از این اقلام، یا نبود رنگ مورد نظر، محصول را تجاری نمی‌کند. رسوب کالاها در گمرکات کشور، نه یک صنف از تولیدکنندگان که زنجیره‌ای از صنعتگران را دچار آسیب و زیان می‌کند.

گوشزد برای پرداخت بیمه ارسال می‌کنند. در تیر ماه نظام مالیاتی عنوان کرد اصناف مالیات نمی‌پردازند، این در حالی است که مالیات ۳۰ میلیون تومانی، امروز به ۳۰۰ میلیون تومان رسیده است. این برخوردها نامش حمایت از تولید نیست، بلکه تخریب آن است.

تولید در حالت احتضار است و چند نفس مانده تا خروج سرمایه از صنعت شتاب بگیرد. نمی‌توان به دلار هزینه کرد، اما به ریال درآمد داشت؛ ضمن اینکه فراموش نکنیم در عصر فعلی تامین برق یک امر عادی و یک نیاز اولیه برای جامعه محسوب می‌شود. ترکیه در همسایگی ایران برق دارد، اما کم‌کم داشتن برق برای ما آرزو می‌شود. خاموشی، هزینه سرشار را افزایش داده و ضایعات را بیشتر می‌کند. سفت شدن مواد اولیه در داخل دستگاه‌ها و دورریز شدن آنها در یک وعده بیش یک میلیارد تومان هزینه روی دست برخی صنعتگران می‌گذارد؛ دستگاه‌ها مستهلک شده و می‌سوزد. تولیدکننده چقدر توان مالی دارد و چقدر می‌تواند برای این حجم بحران، انرژی صرف کند.

خسارت‌های زنجیره‌ای

محمد سپیددست، تامین‌کننده مواد اولیه

مشکلات همیشه بوده و یکی و دو مسئله نیست. دپو مواد اولیه در گمرکات کشور و عدم ترخیص آنها به دلیل تعطیلی نهادهای دولتی که ناشی از آلودگی هوا و کاهش مصرف برق و گاز بود، تلاطم ایجاد کرد. این امر محدود به این مقطع زمانی نشده و آینده خریدار و فروشنده را نیز نامشخص

فریادی که گوش کسی را نمی‌آزرد

میثم تدین، تولیدکننده محصولات چرمی



صنعتگر، مهمان جیب خود است و در شرایط قطعی روزانه برق هزینه می‌کند و ژنراتور می‌خرد تا تولید تداوم داشته باشد. دولت اگر توانمندی تامین برق مورد نیاز صنایع را ندارد، دست‌کم می‌توانست مانند دوره پاندمی کرونا به ارائه وام با بهره پایین و تنفس بالا بپردازد. هنگامی که قرار است برق کارخانجات از ساعت ۸ تا ۱۱ قطع باشد، چرا مدیریت نشد و پیش از موقعیت فعلی پنل خورشیدی بین صنعتگران توزیع نگردید؛ یا مشوق‌هایی برای اجرای آن از سوی تولیدکنندگان تعریف می‌کرد. حتی اگر صنعتگر خود مبادرت به خرید پنل خورشیدی کند، دولت مطالبه‌گری می‌کند که برای نصب آن مالیات پرداخت شود.

حال که این پیش‌بینی‌ها انجام نشد، حداقل می‌تواند تسهیلات با بازپرداخت طولانی‌تر بدهد تا صنعتگران بتوانند ژنراتور خریداری کنند.

انتظار داشتیم در چنین وضعیت بحرانی همراهی می‌شد و دولت مالیات‌ها صنعتگران را تا مدتی معاف می‌کرد؛ اما در حالی که کارخانجات و کارگاه‌ها تعطیل هستند نهادهای بیمه و مالیات فعالیت داشته و از یک هفته قبل پیامک



تعطیلی برای تولید بود؛ نه بیمه و مالیات وحید روان پرور نایب رئیس اتحادیه کفاشان دست دوز و مدیرعامل چرم وحید



ناترازی برق و قطعی روزانه آن در اوج ساعت‌های کار در واحدهای صنفی و صنعتی سبب شده آسیب‌های جدی به بستر تولید وارد شود.

خاموشی از ساعت ۱۱ تا ۱۴ عملاً بازدهی را از واحد تولیدی می‌گیرد و قطعی برق در میانه کار و وصل شدن آن در ساعت‌های پایانی، انرژی باقی نمی‌گذارد. حتی خرید موتور برق هم پاسخگو نبوده و توانایی کار مانند ماشین‌آلات و دستگاه‌ها را ندارد؛ ضمن اینکه تولید کاهش یافت، اما پرداخت حق بیمه و مالیات با نرخ‌های شرایط عادی پابرجا است.

این خاموشی برای شهرک‌های صنعتی براساس اعلام تاریخ بوده و امروز یک شهرک صنعت برق ندارد و فردا نوبت خاموشی شهرک صنعتی دیگر است. اگر این رویه ادامه‌دار باشد هیات دولت باید برای تامین هزینه‌های تولید چاره‌اندیشی کند.

برآورد دقیق هزینه سربار با این بحران هنوز ممکن نیست، اما اگر شهرک صنعتی هفتگی یک روز نوبت خاموشی داشته باشد و فقط ۴ روز کار تولید برقرار باشد، ماهانه یعنی ۹ روز تعطیلی که هزینه سربار را ۳۵ درصد افزایش می‌دهد؛ علاوه بر اینکه ساعت کاری را نمی‌توان تغییر داد، چون هدف از این خاموشی‌ها کاهش مصرف است. اما مدیریت در این حوزه به بخش دیگر لطمه زده و هزینه‌های دولت را در سایر بخش‌ها افزایش می‌دهد.

تحلیل رفتن انرژی رزمندگان نبرد اقتصادی علی اکبر اخوت نایب رئیس هیات مدیره جامعه متخصصین صنعت کفش ایران و رئیس هیات مدیره چرم پارس

خاموشی‌های تابستان در سنوات گذشته با آگاهی بود و صنعتگر خود را آماده می‌کرد. ژنراتورها را اورهال کرده و سوخت مورد نیاز را می‌خرید، اما خاموشی گسترده در فصل سرما بدون اطلاع قبلی بود و تولیدکنندگان خود را برای مواجهه با چنین شرایطی آماده نکرده بودند. در نتیجه دستگاه‌های مورد نیاز اورهال نشدند. تولیدکننده به ناچار با هزینه بالا در موقعیت فعلی سوخت ژنراتورها را تامین کرده و ناگزیر به هزینه‌کرد اضافه شده است.

در ابتدای خاموشی‌ها توضیح داده شد در هفته ۳ روز و در زمان‌های متفاوت برق قطع می‌شود. صنایع گوناگون با مشکلات عدیده روبه‌رو شدند و حجم ضایعاتشان افزایش یافت. خاموشی ۴ تا ۵ ساعت در روز به شکل‌های گوناگون آسیب‌زننده است، به‌ویژه برای واحدهای تولیدی چرم و کفش و صرفه‌اقتصادی را از بین می‌برد؛ به عنوان مثال، راه‌اندازی مجدد ماشین‌آلات زمان‌بر است. موضوع عدم ترخیص کالاها، مسئله دیگری است که برخی از واحدهای تولیدی را دچار چالش جدی کرده است. تولیدکنندگانی که از قبل، این شرایط را پیش‌بینی کرده بودند و به رویه بارگذاری اسناد و مدارک و نیز مجوز ترخیص آگاه بودند، کمتر آسیب دیدند، اما بعضی هم به دلیل عدم آگاهی دچار بحران شدند. البته یک‌سری مشکلات زیرساختی هم ثبت‌سفارش‌ها را به تعویق انداخت و تولیدکنندگان را در تامین مواد اولیه مورد نیاز خود دچار مشکل کرد. همچنین گاهی اعتبارات خارجی کالا ارسال می‌شود، اما به دلیل مشکلات داخلی محصولات در گمرکات معطل می‌مانند و هزینه‌بر بوده و خسارت و غرامت آن از به دنبال داشته و از سوی هیچ نهادی

پرداخت نمی‌شود. نکته قابل‌تأمل اینجاست که وقتی زیرساخت آماده نیست، چرا اطلاع‌رسانی نمی‌شود یا با توجه به چالش ایجاد شده، پشتیبانی انجام نمی‌گیرد.



۲۵ تا ۳۰ درصد هزینه تمام‌شده وارداتی‌ها به دلیل دموارژ خسارت به تولیدکننده تحمیل کرده، در حالی که واحدهای بزرگ نیرو جذب می‌کنند، آموزش می‌دهند تا در سامانه توسعه تجارت مدارک و اسناد به موقع بارگذاری شود و اما چالش زیرساختی تا برنامه‌ها و مدیریت‌ها، هزینه‌ها و زمان را خنثی می‌کند. شرایط مدیریتی موجود سبب این نگرانی شده که در آینده قرار است با چه معضلاتی دست‌وپنجه نرم کنند. راهکار چیست؟ کار تولید مانند جبهه نبرد است. سرباز آموزش می‌بیند و مهمات و تجهیزات دارد و با تجارب خود موانع را از سر راه برمی‌دارد، اما تا جایی که انرژی دارد و خالی شدن انرژی به هر دلیلی حتی سرباز آموزش‌دیده و با تجربه را مغلوب می‌کند. در حال حاضر هم تولیدکنندگان در جبهه نبرد می‌خواهند موانع را از سر راه خود بردارند. هر کسی ماهرتر باشد و توانمندتر و البته چابک‌تر می‌تواند مدیریت بهتری داشته باشد، اما با ناترازی بانک‌ها و محدود شدن وام‌دهی، صنعتگران به عنوان مشتری بانک از همین یک مانع می‌توانند عبور کنند که ادامه حیات داشته باشند. در حال حاضر نباید از کمبود سرمایه در گردش واحدهای تولیدی غافل شد که توان و انرژی صنعتگران می‌خورد و چالش جدی در آینده‌ای نه‌چندان دور برای تولید به وجود می‌آورد.



هزینه‌های مربوط به تاخیر وصول مطالبات که ارتباط مستقیم با برگشت سرمایه و تامین سرمایه در گردش دارد، موضوع دیگر است. سوم، هزینه‌های سربار تعمیر تجهيزات و دستگاه‌ها با توجه به نوسانات برق و گاز است. چهارم، خراب شدن بخشی از مواد ترکیبی فاسد شدنی و نیز فاسد شدن پوست. پنجم، هزینه نگهداری و ماندگاری مواد اولیه در انبار کارخانجات و گمرکات است.



شناسایی کند و در ادامه با دشواری بسیار قطعه مورد نظر را از شرکت خارجی خریداری و وارد کشور کنیم. قطعی برق روی شبکه اینترنت هم تاثیر گذاشته و ممکن است تولیدکننده با دردهای زیادی روبه‌رو شود. اگر خواب دستگاه‌ها را هم به آسیب‌ها اضافه کنیم، قطعا آسیب‌ها بزرگ‌تر و عمیق‌تر خواهد بود. این مشکلات به خط تولید یک کارخانه تولیدکننده مواد اولیه محدود نمانده و سایر بخش‌های تولید کشور را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد.

مولفه‌های مختلف باید در کنار هم دیده شوند تا میزان خسارت به‌طور دقیق‌تر به‌دست آید. در حال حاضر مشکلات دیگر تولیدکنندگان، سرمایه در گردش آنهاست. هنگام خرید، پول باید ۶ تا ۷ ماه زودتر پرداخت شود تا موارد اولیه به دست صنعتگر برسد. از سوی دیگر، مدت زمان پرداخت هزینه محصولات افزایش یافته، چون بسیاری از کارگاه‌های تولید کفش، سنتی بوده و وضع مالی خوبی ندارند؛ بنابراین نتوانسته‌اند در این رکود بازار خوب بفروشند.

تمام امید تولیدکنندگان این بود در ۳ هفته‌ای که هوا رو به سردی رفت که یکی از مقاطع طلایی فروش است، بازار رونق بگیرد که با تعطیلی‌ها به دلیل آلودگی هوا از دست رفت. کفش‌های پاییز و زمستان بیشتر نیم‌بوت و چکمه چرمی است که چرم زیادی در آنها به کار می‌رود و فروش کفش منجر به برگشت پول صنعت چرم می‌شد. همیشه روزهای سرد سال و مناسبت‌ها سبب بهبود بازار صنعت کفش می‌شود. با توجه به اینکه سال را خوب آغاز نکرده بودیم، با آغاز سرما روند فروش بازار صعودی شده بود که درست در پیک فروش با تعطیلی روبه‌رو شدیم. در نتیجه، نخست اینکه تولیدکننده باید هزینه نیروی انسانی شاغل (به‌طور مستقیم و غیرمستقیم) را پرداخت کند اعم از دستمزد، بیمه و ... دوم،

تولید در مسیر دشوار

حامد لاری، مدیرعامل چرم امین



به‌طور قطع، ناترازی برق و خاموشی‌ها صدمات زیادی به خطوط تولید وارد کرده است. چرمشهر معمولاً از ۷:۳۰ تا ۱۰:۳۰ صبح برق ندارد. قطعی گاز هم در ادامه خاموشی‌های برق رخ داد.

تولید چرم به دلیل ماشین‌آلاتی که دارد مصرف برق بالایی داشته و دیگرهای بخار هم نیاز به گاز زیادی دارند. به‌عنوان مثال، یک کارخانه بزرگ تولیدکننده چرم، اگر با تمام ظرفیت خود کار کند به حدود ۸۰۰ آمپر برق نیاز دارد. در صورت خاموشی ژنراتور مورد نیاز باید حدود ۶۰۰ کاوا باشد. از سوی دیگر ژنراتور برای زمان‌های اضطراری و برای مدت زمان کوتاه مثلاً ۸ ساعت است، اما در حال حاضر با قطعی هر روز برق استفاده از ژنراتور عمر دستگاه را کاهش می‌دهد، علاوه بر اینکه هزینه گازوییل ۲ تا ۳ برابر قیمت گاز است و برای تامین گازوییل مورد نیاز ۲ دو هفته باید مخزن ۱۲ هزار لیتری به طول ۱۰ متر داشته باشید.

بنابراین اگر بخواهیم از هزینه‌های سربار و رشد آن صحبت کنیم باید به هزینه ضایعات، ماندگاری مواد آماده شده، تاریخ استفاده از پوست، فروش از دست رفته، پرداخت حقوق، بیمه و مالیات با وجود قطعی برق، خرابی ماشین‌آلات به دلیل خاموشی‌های روزانه و ... اشاره کرد. همچنین برخی از دستگاه‌ها خارجی بوده و با خراب شدن آن باید کارشناس فنی کشور سازنده، مشکل را

دی ۱۴۰۳ شماره ۳۱۱

کاشانه

نالدگر

وقتی یک پیشکسوت می‌میرد

مانند آتش گرفتن یک کتابخانه است